
موهبت

تأليف:

الناز ابراهيم پور



فن آوری نوین

سرشناسه	: ابراهیم پور، الناز، ۱۳۶۷-
عنوان و نام پدیدآور	: موهبت / تألیف الناز ابراهیم پور.
مشخصات نشر	: بابل: فناوری نوین، ۱۴۰۰.
مشخصات ظاهری	: ۷۷ص.: مصور (رنکی)، ۵/۲۱×۵/۱۴س.م.
شابک	: ۴۵۰۰۰۰ ریال ۷-۵۰-۷۳۹۳-۶۲۲-۹۷۸ :
وضعیت فهرست نویسی	: فیبا
موضوع	: شعر فارسی -- قرن ۱۴
موضوع	: -- Persian poetry ۲۰th century
رده بندی کنگره	: ۸۳۳۴PIR
رده بندی دیویی	: ۱/۶۲۶۸
شماره کتابشناسی ملی	: ۸۴۸۵۶۸۲
اطلاعات رکورد	: فیبا
کتابشناسی	

@fanavarienovinpub

تلفن: ۰۱۱-۳۲۲۵۶۶۸۷

بابل، کد پستی ۴۷۱۶۷-۷۳۴۴۸

فن آوری نوین

موهبت

تألیف: الناز ابراهیم پور

نوبت چاپ: چاپ اول

سال چاپ: تابستان ۱۴۰۰

شمارگان: ۲۰۰

قیمت: ۴۵۰۰۰ تومان

نام چاپخانه و صحافی: دفتر فنی سورنا

طرح جلد: الناز رجایی

شابک چاپی : ۱-۵۲-۷۳۹۳-۶۲۲-۹۷۸

نشانی ناشر: بابل، چهارراه نواب، کاظم بیگی، جنب مسجد منصور کاظم بیگی، طبقه اول

فروشگاه و بخش کتاب جایی: تهران، تلفن ۶۶۴۰۰۲۲۰-۶۶۴۰۰۱۴۴

تهران، خ اردیبهشت، نبش وحید نظری، پلاک ۱۴۲ تلفکس: ۶۶۴۰۰۱۴۴-۶۶۴۰۰۲۲۰

مقدمه

به نام خالق یکتا

این مقدمه را زمانی می نویسم که اصلی ترین انگیزه‌ی نوشتن شعرهایم تبدیل به دونقطه‌ی نورانی کوچک در آسمان شده‌اند، یا دو مروارید که صدف دنیا آن‌ها را در آبی ترین جغرافیای اقیانوس قرار داده "پدربزرگ و مادربزرگ"

از کودکی آموختم که ساده ترین اشیا و اتفاق‌ها و شاید حتی آدم‌ها ماندگارترین دوست‌های آدم می‌شوند، مثل پدربزرگ و مادربزرگم که اولین و همیشگی ترین دوستان زندگی‌ام شدند حتی هم‌اکنون که در کنارم نیستند...

مثل همین کلمات که در فضای ذهنم تبدیل به شعراوه‌های کوچک شدند یا عکس‌هایی که با دوربین ساده‌ی تلفن همراه، از ساده‌ترین داشته‌های آدم‌ها، همین آسمان، جنگل و گیاه ثبت و بین این صفحات قرار داده شدند.

کشف و دیدن همین ساده‌ها بین روزمرگی‌های زندگی بزرگ‌سالی، یک موهبت هست.

امیدوارم فقط یک کلمه یا عکسی در این کتاب به شما خواننده‌ی عزیز، حسی خوب تقدیم کند و همین برای من کافی ست. جایی در این دنیا جبه‌ی قند کوچک آرامش از کتاب من سهم قلب یک انسان باشد با آرزوی سلامتی و آرامش برای شما، که بی‌شک همین موهبت است

الناز ابراهیم پور

با تشکر از

جناب آقای مهندس محمد حسام ابراهیم پور برای طراحی صفحات

سرکار خانم سارا سلمانی بابت ویراستاری

جناب آقای دکتر رمضان عباس نژاد مدیریت محترم انتشارات فناوری نوین

سرکار خانم دکتر الناز رجایی بابت نقاشی طرح جلد این کتاب که بی شک

ارزشمندترین هدیه‌ای هست که می‌شد به یک کتاب داده شود.

نقاشی به یاد سمیرا کشیده شده که او امروز تکه‌ای نور از بیکران آسمان

است...

من عاشق خدا

عاشق باران

هام. عاشق نهنگ

عاشق موجودی ام

که روزی اسمش

آدم بود





عشق را

با الف می نویسم

تا چتری

برای روزهای بارانی شود.



امشب

تو هستی

نشسته‌ای روی حصیری که

با پولک ستاره بافته شده.

امشب

کلاف ماه را می خواهی باز کنی

تا لباسی برایم ببافی

لباسی برای قلب یخ زده ی یک شب برفی.



چه کسی باور می کرد

روزی زمین

روی پای خودش بایستد؟

چه کسی باور می کرد

روزی برای قلب زخم خورده اش

دور از چشم آدم ها

تکه ای از آسمان را پاره کند؟

اخبار دیروز صبح:

میزان پارگی لایه ی اوزون روز به

روز بیش تر می شود.

تنها می شوم

زمانی که خورشید

پیراهن نارنجی اش را

در تشت اقیانوس می شوید.

تنها می شوی و ماهی ها غلغله می کنند

میان جشن عروس ها و مرجان ها،

میان دریایی که

در دلش آشوب است

ولی هیچ وقت

به روی خودش نمی آورد.

پیرزن دوست‌داشتنی من
که اگر
وسط جزایر هاوایی هم باشی
عطر زنجبیل و دارچین را
به همراه داری !

مواظب انارها باش
هنگام جدا کردن دانه‌ها
قلبت زخمی نشود.





زن!

طولی نمی کشد آفتاب

تمام برف های این سال ها

که کمرت را خم کرده

پارو می کند

تا

بوته های یاس چادری که به کمرت

بستی

دوباره شکوفه بزنند.



می دانم دوستم داری
می دانی همین روزها
اقیانوسی درست می کنم و می شوم ناخدای آبها
تا کشتی ات سرگردان نماند
جایی که شبها
فانوس دریایی یواشکی خوابش می برد.

دلم می خواست

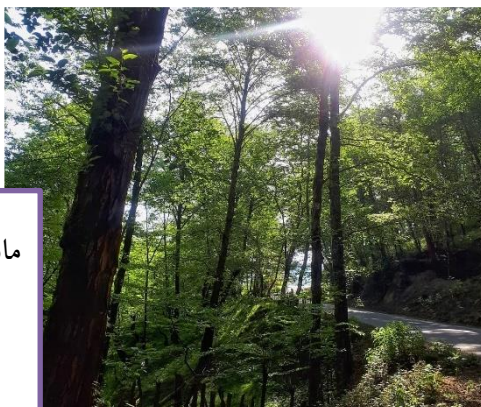
مادر همه ی بچه های

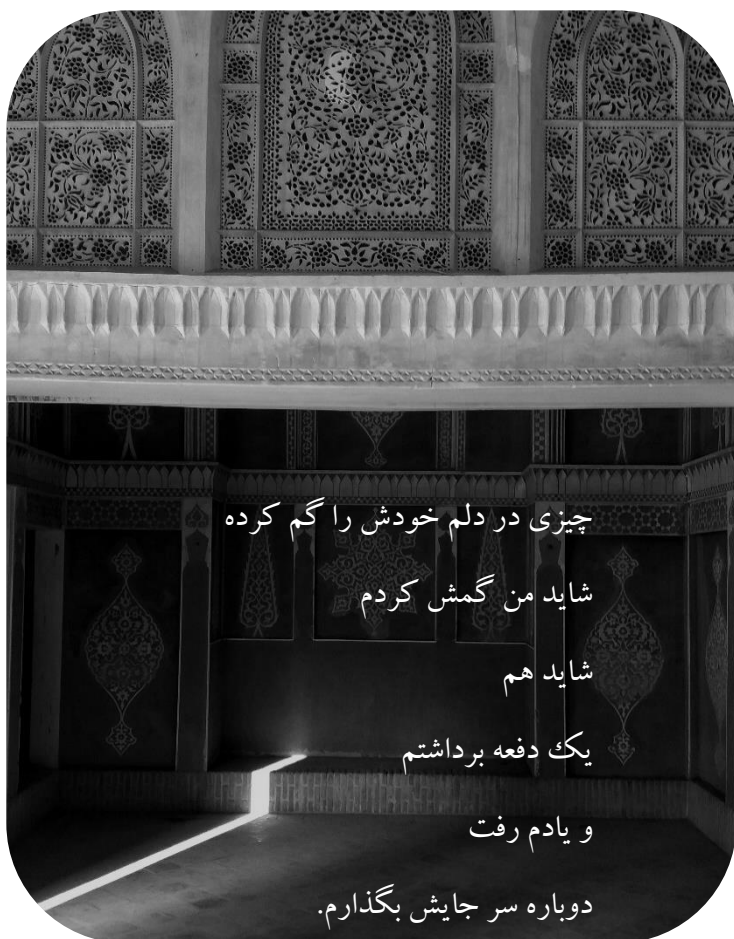
شوم

که اول دیکته ها

خدا را داخل پرانتز

نمی نویسند.







به خودم دروغ نمی گویم!

من

سایه‌ی زنی هستم

که گاهی وقت‌ها یادش می‌رود

خودش را هم به دوش می‌کشد.